

یگانه وقایع نگاری مسیحیت غرب به زبان فارسی^۱

دکتر محمدرضا وصفی*

چکیده

در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، مجموعه‌ای خطی با عنوان منشآت عصر صفوی نگهداری می‌شود، که تحریر و نگارش آن از سال ۱۰۱۸ شروع شده و به سال ۱۰۳۳ ه. ق. پایان یافته است. این دستنویس، حاوی اسناد و گزارشاتی است از گروه مسیحی دوران صفوی، که مطالب بسیار مفیدی از روابط شاه عباس صفوی و غرب مسیحی ارائه می‌کند و در شناخت ارتباط میان اسلام و مسیحیت کاتولیک در جغرافیای سیاسی ایران، حائز اهمیت است.

نویسنده گفتار بر آن است که حجم مهمی از مجموعه مذکور، یادگار مانده از نخستین حضور کارملیت‌های مسیحی در ایران است که در سال ۱۰۱۸ ه. ق. (۱۶۰۸ م) به ایران راه یافتند و اعتماد بسیار از جانب شاه عباس صفوی به دست آوردند. نویسنده در ادامه مقاله، نحوه انشا و تحریر گزارش‌ها و نامه‌های دستنویس یاد شده را مورد بررسی قرار داده و با قرائن و دلایلی چند ابراز داشته است که متنی از سوی کارملیت‌های مسیحی و کاتولیک، انشاء گردیده و باید آن را نخستین گزارش‌های انشاء شده از سوی غربی‌های تازه‌آموز به زبان فارسی در تاریخ ادبیات ایران داشت.

* پژوهشگر حوزه مطالعات تطبیقی اسلام و مسیحیت.

در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، تصویری از مجموعه‌ای خطی به شماره ۴۸۳۶-۷-۸ ثبت و نگهداری می‌شود که دربرگیرنده وقایع نامه و حوادث چهارده سال روابط بین دولت صفوی با مسیحیت لاتین زبان کاتولیک و اروپایی است.^۲

این وقایع نامه دارای اهمیت فراوان است. هیچ مجموعه‌ای به زبان فارسی به حجم آن اسناد و گفته‌های مربوط به روابط و تعامل بخشی از روزگار دولت صفوی با دنیای مسیحیت را در خود جای نداده است و اهمیت آن زمانی صد چندان می‌شود که دست فرنگیان تازه وارد به ایران در شکل یابی آن آشکار گردد. این مجموعه از زوایا و نگاههای گوناگون قابل تأمل است.

مجموعه حاضر بیانگر تصویری است که مؤسسه دینی مسیحیت کاتولیک - دستگاه پاپ در رُم - از دولت اسلامی صفوی دارد.^۳ منبعی است در حوزه مطالعات روابط اجتماعی و سیاسی نهاد سیاسی شیعی با مسیحیت.^۴ گزارشی را در بر دارد از نخستین موضع‌گیری نهاد دینی - اسلامی و اجتماعی ایرانی در برابر اروپایی مسیحی. بیانگر رفتار و نگاهی است که دولت شاه عباس در یک تعامل سیاسی همراه با آزمون و خطا، از اروپا در حال تجربه کردن است.^۵ بیانگر عکس‌العملی است که دولت مرکزی ایران با گذشت بیش از یکصد سال از اشغال هرمز، توسط پرتغالی‌ها از خود آشکار می‌سازد.^۶ انعکاسی است از فتح هرمز توسط امام قلی حاکم شیراز بزرگ و بازتابی که این فتح در پایتخت از خود بر جای می‌گذارد.^۷ سوژه‌ای است در بررسی نگاه کشورهای اروپایی به ایران صفوی. سوژه‌ای است در بررسی نقش اروپا در برانگیختن جدال شرق با شرق - صفوی و عثمانی - نخستین گزارش به زبان فارسی و حکایت شده از سوی پدران روحانی مسیحی است که اختلاف غرب با غرب را تبیین می‌کند.

سوژه‌ای است در مطالعات اقتصاد صفوی و تحولاتی که پس از کشف راه‌های دریایی و پایان یافتن اهمیت راه‌های زمینی بر ایران وارد آمد.^۸ سوژه‌ای است در شناخت رابطه مصلحت، دین، سیاست و اقتصاد در حوزه روابط بین‌الملل در دولت صفوی. سندی است در سنجش میزان صداقت و مصداقیت ایران در روابط بین‌الملل. سندی است در سنجش صداقت و مصداقیت تعامل غرب با ایران و دنیای اسلام. سوژه‌ای است در مطالعات آنترپولوزی و اجتماعی - فرهنگی ایرانی، بین "ما" مسلمان شیعی ایرانی و "دیگری" مسیحی شرقی و غربی.

سوژه‌ای است در تشخیص تمایزی که ایران بین مسیحیت شرق و مسیحیت غرب از آن برخوردار بوده است. سوژه‌ای است در مطالعه دستگاه و شبکه تبلیغی مسیحیت

کاتولیک در دنیای شرق با پایان قرون وسطی، سوژه‌ای است در تاریخنگاری گروه راهبان و مبلغان کرم‌لیت. سوژه‌ای است در بررسی حجم دستاوردهای مسیحیت در ایران به عنوان جزئی از جهان اسلام. گزارشی است از نخستین ارتدادهای دینی و خروج از اسلام، بین ایرانیان تازه مسلمان.^۹ سندی است در برخورد دولت صفوی با مفهوم جرم و جزای ارتداد دینی. متن، دستورالعملی را دربردارد که از سوی کاردینال مسیحیان خطاب به پدر ژان تاده صادر شده و چگونگی برخورد با کسانی که از آیین کاتولیک خارج شده و به تعبیر متن، هراطقه^{۱۰} و ترسا (پروتستان) شده و دیگر بار توبه کرده و کاتولیک شده‌اند را تبیین می‌کند. سندی است در شیوه قضاوتی که دستگاه دینی تشیع و روحانیت در برخورد با دیگری مسیحی، ابراز می‌دارد. سندی است در بررسی‌های مربوط به نخستین نهاد اجتماعی ونیمه خودمختار و مسیحی - به نام جلفای اصفهان - که توسط دولت صفوی، شکل یافت و حمایت شد.^{۱۱} یگانه سندی است که از میزان آگاهی و دغدغه ایران از آخرین وضعیت اسلام و گروههای مسلمان در آندلس خبر می‌دهد^{۱۲} - مسلمانانی که در تاریخ اسلام پدیده‌ای بسیار مهم را در قالب تقیه دینی یعنی تظاهر به مسیحیت و ایمان قلبی به اسلام به منظور حفظ جان، پس از سقوط غرناطه در حال تجربه کردن بودند.^{۱۳} سندی است در آگاهی دولت صفوی از وضعیت اسلام و جامعه اسلامی در شمال آفریقا - مغرب عربی - تنها سندی است که در شکلی سّری، از ارتباط دولت صفوی با نخستین کیان سیاسی سرزمین لبنان، یعنی دولت امیر فخرالدین، خبر می‌دهد.^{۱۴} سندی است در مطالعه نخستین گفت و گوهای پدیدار شناسانه بین اسلام و مسیحیت در ایران.^{۱۵} سندی است در بررسی حجم آگاهی صفوی از سیر تطور اندیشه در اروپا با ظهور پدیده پروتستان.^{۱۶} گزارشی گونه‌ای است از دگرگونی‌های اجتماعی ایران، پس از حضور مسیحیت در قلب ایران، یعنی اصفهان.^{۱۷} سندی است در ترسیم نگاه مسیحیت غرب به ایران با پایان قرون وسطی، در این نگاه تمایزی بین ایران پیش از اسلام، با ایران پس از اسلام، دیده نمی‌شود،^{۱۸} بدین معنی که در نگاه دستگاه سنتی مسیحیت، ایران، همان ایران شاپور دوم است! نخستین دفتر در تاریخ ادبیات فارسی است که بیانگر سطح آموخته‌های واژگانی تازه‌آموزان زبان فارسی است. نخستین گزارش نویسی، وقایع نگاری و روزنامه‌نگاری در ایران است که غیر ایرانیان در آن نقش داشته‌اند. نخستین مستندسازی و جمع‌آوری اسناد است که با گذشت دوره‌ای سیاسی، شکل یافته است.

پرسشهایی در یافتنِ هویتِ متن

با آنچه بیان شد، اهمیت متن آشکار گردید. علاوه بر آن، برای پژوهشگرانی که با این متن سروکار داشته‌اند، روشن است که بخش عمده‌ای از آن شامل، مکاتبات و فرامین ردّ و بدل شده، بین پاپ و پادریان و شاه عباس است. با این حال، دقیقاً مشخص نیست که چه کسی و یا کسانی مبادرت به جمع آوری این اسناد و یا گزارشها کرده‌اند؟ گرایش و هویت دینی گردآورندگان چیست؟ برای روشن شدن این مطلب، تنها وسیله در پیش رو، پرسشگری از خود متن است.

۱- گردآورنده یا گردآورندگان چه کسانی‌اند؟

۲- هویت دینی گردآورنده یا گردآورندگان چیست؟ اسلام یا مسیحیت؟

۳- انعکاس این هویت در متن چگونه است؟

۴- اگر فرض را بر مسلمان و ایرانی بودن متن بگذاریم، چرا متن - اثر - با صاحب اثر (گزارشگری که با هویت اسلامی فرض شده) همخوانی هرمنوتیکی و سموتیکی ندارد. ۵- اگر فرض شود که گردآورنده مسیحی و غیر ایرانی است، چرا سموتیک "بسم الله الرحمن الرحیم" و یا "هجریة النبویة"، و یا "هجریة المصطفویة" در آغاز کتابت همخوانی سموتیکی با گردآورنده مسیحی ندارد؟ (سموتیک این واژگان کاملاً اسلامی است و هیچ مسیحی مؤمن به آئینش، آن هم با افکار قرون وسطایی از این واژگان استفاده نمی‌کرده است).

۶- آیا سموتیک و هرمنوتیک متن می‌تواند ما را به آنترپولوژی و حوزه فکری - فرهنگی گردآورندگان نزدیک کند؟

۷- چنانچه مطالعه متن و شواهد تاریخی، مسیحی بودن گردآورنده یا گردآورندگان را اثبات کند، آنها جزء کدام دسته از گرایشهای مسیحی حاضر در آن روزگارند؟

آشنایی مبلغان مسیحی به زبانهای شرقی

تاریخ حضور گروههای تبلیغی مسیحیت در دنیای شرق و خاورمیانه، گواه بر آن است که پاره‌ای از آنها به زبانهای شرقی از جمله: عربی، فارسی، ترکی و ارمنی آشنا بوده‌اند.

این احتمال را می‌توان داد که این گروهها زبان فارسی را به واسطه تجار و یا ایرانیان ساکن در مناطق شرق مدیترانه آموخته‌اند. ایرانیانی که یا مسلمان بوده‌اند و یا ارمنی.

تجّار آن مناطق هم گروههایی بودند که در طول مسیر جاده ابریشم پراکنده بوده و از سوی غرب ایران کنونی در شهرهایی مثل: حلب و حیفّا و قدس و ... و حتّی وِنیز ایتالیا دفاتر بازرگانی داشتند.

از جمله گروههای تبلیغی کاتولیک که به زبانهای شرقی آشنایی داشته و به ایران آمدند، کرملیت های مسیحی اند. گروهی که مبادرت به املاء متن منشآت کرده و ما در این جُستار به دنبال روشن ساختن آن هستیم.

کرملیت ها به آموختن زبان فارسی، اهتمام خاص داشتند و معتقد بودند "سخن گفتن به زبان فارسی مهمترین ابزار تبلیغی در ایران به شمار می رود و پدرانی که می خواهند در ایران مردم را دعوت به پیروی از مسیح کنند، باید آماده پذیرش سختی ها بوده و از آگاهی لازم در علوم دینی و دینوی برخوردار باشند و بتوانند با صبر و حوصله به اقامه برهان و دلیل در مقابل مسلمانها، گرجیها و یهودی ها بپردازند"^{۱۹}

بر همین اساس، آنها متون مقدس مسیحی و ادعیه دینی مسیحیت را به زبان فارسی برگردان و تبلیغ به فارسی را در اولویت برنامه های خود قرار دادند.^{۲۰} کرملیت ها بنا بر آنچه اظهار داشته اند، مجبور بودند در دنیای شرق با چهار زبان عربی، فارسی، پرتغالی و هندی - گواپی صحبت کنند.

آنها علاوه بر آموختن زبان، به تبادل اندیشه نیز اقدام کردند. از آن جمله در پاسخ به تقاضای امام قلی خان^{۲۱} حاکم فارس، کتابهای فلسفه افلاطون و ارسطو و فرهنگ لغت "لاتین - عربی" و انجیل به زبان عربی را برای حوزه علمیه شیراز - مدرسه خان - که ملاصدرا در آنجا تدریس می کرد ارسال کردند و یا در مناظرات علمی حضوری فعال یافتند.

کرملیت ها چه کسانی اند؟

کرملیت ها گروهی روحانی عارف از مبلغان مسیحی اند که در سال ۱۰۱۶ هـ/ ۱۶۰۷ م پس از گذشت بیش از سه سال از آغاز حرکتشان به سوی ایران، توانستند به پایتخت آن، یعنی اصفهان برسند. آنها در مسیر حرکتشان چند تن از همراهان خود را از دست دادند، سه تن از معروفترین آنها که به ایران رسیدند، عبارت بودند از: پول سیمون Poul Simon و ژان تادروس John Tadderus (در بین ایرانیان به جوان تاده شهرت یافت) و وینسنت Vincent. این اولین حضور رسمی کرملیت ها در دربار شاه عباس

بود.^{۲۲}

آشنایی این گروه با دنیای شرق پیشینه‌ای طولانی داشته و به روزگار جنگ‌های صلیبی باز می‌گشت. آنها همچون گروه تبلیغی فرانسیسکن، جزو نخستین گروه‌های مسیحی کاتولیک بودند که از نزدیک با دنیای اسلام آشنا شدند. کرمیت‌ها در نخستین حضور، همراه صلیبی‌ها وارد حيفا در فلسطین شدند و تا نیمه سده دوازدهم میلادی یعنی زمان سقوط آخرین امارت نشین صلیبی در آن منطقه، در کرمل، ساکن شدند. کرمیت‌ها همراه با خروج آخرین گروه صلیبی، فلسطین را ترک و به اروپا بازگشتند، اما با آغاز سده هفدهم، مجدداً فعالیت خود را در دنیای شرق شروع کردند. اگر چه حضور رسمی آنها در ایران همانگونه که اشاره شد مربوط به سال ۱۰۱۶ م است اما آشنایی آنها با ایران به اواخر سده شانزدهم میلادی یعنی سال ۱۵۹۲ م باز می‌گردد، در آن زمان آنها به جغرافیای بزرگ ایران وارد و با این منطقه آشنا شدند.^{۲۳}

در آغاز سده هفدهم، رهبر گروه عارفان کرمیت طی نامه‌ای که در تاریخ تبلیغ گروه‌های مسیحی شهرت دارد، خطاب به پاپ کلمنت هشتم چنین نوشت "ما باید برای رستگاری تمامی مردم روی زمین تلاش کنیم". وی با تأکید بر این عبارت، خواهان کسب مجوز رسمی از نهاد روحانیت مسیحی کاتولیک در انجام فعالیت‌های تبلیغی در دنیای غیر کاتولیک و غیر مسیحی شد.^{۲۴} پاپ در پاسخ، اجازه داد تا کرمیت‌ها بشارت مسیح را مطابق با آنچه که دستگاه مسیحیت کاتولیک می‌خواهد، به سرزمین‌های غیر کاتولیک برسانند.

با آغاز به کار مجدد کرمیت‌ها در دنیای شرق در سده هفدهم میلادی، آنها همچنین، توانستند رؤیای دیرین خود را در بازپس‌گیری مکان مقدس و روحانشان از عثمانی‌ها در سال ۱۳۶۱ م، محقق سازند. این مکان مقدس در کوه کرمل واقع، و مجموعه‌ای بود، شامل صومعه و کلیسای مقدس.^{۲۵}

شبکه تبلیغی عارفان کرمیت در سده هفدهم میلادی، دارای دوازده هزار عضو روحانی در سراسر دنیا بود.^{۲۶}

باورهای دینی عارفان کرمیت

مبانی دستگاه دینی عارفان مسیحی کرمیت، همچون سایر کاتولیک‌ها است.

علاوه بر این، آنها معتقدند باید در حقیقت ربوبیت مسیح ذوب و فنا شد و باب ذوب و فنا در ربوبیت، فقط پیروی از طریقت معنوی مریم عذرا است. مریم، مونس همگان است. شفاعت گر بشریت است. آلام بخش مصائب است. ملکه نجات در سختی هاست.

عارفان کرمیت، همچنین بر پایه طریقت معنوی ای که اختیار کرده بودند آئین مربوط به خود را داشتند. لباس متحد الشكل بر تن می کردند، که برگرفته از لباس مریم مقدس بود. با پای برهنه راه می رفتند. از لذات دنیوی بهره نمی گرفتند و همچون زاهدان و درویشان زندگی می کردند. آنها معتقد بودند باید به حقیقت کلیسای نخست راه یافت. در اسرار الهی تأمل کرد، نماز عقلی Orason و نماز لیتورجی را بجای آورد.^{۲۷}

وظایف کرمیت ها در ایران^{۲۸}

کرمیت ها، چهارمین گروه مسیحی بودند که پس از مسیحیان فرانسیسکن،^{۲۹} دومینکن^{۳۰} و آگوستین^{۳۱} وارد ایران شدند.^{۳۲} وظایفی که پدران کرمیت در زمان شاه عباس بر عهده گرفتند را می توان به دو بخش تقسیم کرد:

الف) وظایفی که پاپ بر عهده آنها نهاد.

ب) وظایفی که شاه عباس از آنها توقع داشت.

پاپ، خواهان آن بود که آنان، به تبلیغ کلیسای کاتولیک در بین مسیحیان غیرکاتولیک و شرقی (ارامنه، گرجی، آشوری و...) پردازند. از ورود اندیشه پروتستان در بین مسیحیت شرق جلوگیری کنند. آنانی را که پروتستان شده اند، بار دیگر کاتولیک کنند. دولت صفوی را ترغیب به ادامه مبارزه با دولت عثمانی کنند، عامل و میانجی ارتباط بین پادشاهان کاتولیک اروپایی با دولت صفوی باشند.

شاه عباس نیز پس از استقرار آنها در اصفهان توقع داشت که واسطه خوبی در ایجاد ارتباط بین ایران با اروپا باشند، به عنوان سفیر، پیامهای شاه عباس را به کشورهای غربی ارسال کنند، نامه های ارسال شده را ترجمه کنند. از تبلیغ مسیحیت در بین مسلمانان و رعیت شاه پرهیز کنند. به مشکلات اروپایی های کاتولیک در ایران رسیدگی و برای حل آن، مراتب را به دربار اعلام کنند. با حضور در بحثهای علمی و دینی پاسخ روشنی در تبیین افکارشان داشته باشند.

مورد اخیر باعث شد تا آنها خلاصه کتاب آیینہ حق نما^{۳۳} را که در لاهور تألیف شده بود به منظور پاسخگویی علماء اصفهان در اختیار آنها قرار دهند. با آنچه بیان شد معلوم شد که هیئت اولیه کرمیت به همان اندازه که وظایف دینی برعهده داشت، سیاسی نیز بود. موارد زیادی وجود دارد که افرادی از کرمیت ها به دلیل پیشامدهای وقت و از سوی پادشاهان و شاهزادگان اروپایی مجبور به پذیرش مسئولیت‌های یک نماینده تام‌الاختیار می‌شدند.

چند دلیل در کرمیت بودن متن

با آنچه بیان شد، تلاش شد تا فضای بیرونی متن تا اندازه‌ای روشن شود. حال می‌خواهیم با نشان گذاری متن، به شرح ذیل، چنین اثبات کنیم که متن تعلق به مسیحیان کرمیت دارد.

۱- آغاز شکل‌گیری متن، همزمان است با ورود کرمیت‌ها به ایران یعنی سال ۱۰۱۸ هـ/ ۱۶۰۸ م.

۲- پایان متن، همزمان است با چندین حادثه پرتنش و پی در پی و آمیخته بین مسایل دینی، سیاسی و نظامی، این حوادث از هرگز تا اصفهان امتداد داشت. در نتیجه یکی از این حوادث، گروهی از مفتشها و بازرسان دولتی به محل اقلیت پدران مسیحی در اصفهان وارد شده و محل را قرنطینه کردند. در آن حادثه نیروهای دولتی پدران روحانی را برای چند روز در محل اقامتشان حبس و ممنوع الملاقات کرده و تعدادی از وسایل و اقالام آنها را با خود به همراه بردند.

۳- هر چه از آغاز متن می‌گذرد نقش محوری کرمیت‌ها و بطور خاص پدر ژان تاده بیشتر می‌شود.

۴- پاره‌ای از نامه‌های متن، نامه‌هایی است که بین مسیحیان غربی و پدران کرمیت رد و بدل شده است. به دیگر سخن نامه‌هایی است، درون تشکیلاتی، بین اجزای نهادهای تبلیغی مسیحی در شرق اسلامی.

۵- پاره‌ای از نامه‌ها، توصیه نامه‌هایی است که پدر ژان تاده، بخاطر نقش قابل اعتمادی که در بین ایرانیان داشته به منظور رفع مشکل و یا حمایت از مسیحیان غربی ساکن در ایران، نگاشته است.

۶- گزارشهای پایانی متن که تقریباً مقارن گشته با حضور گروه تفتیش در محل

اقامت پدران روحانی، به قتل تراژدی گونه چند تن از تازه مسیحیان می‌پردازد. شیوه پردازش قصه و صحنه‌های این قتل فقط و فقط از سوی نگارنده‌ای مسیحی و کاتولیک امکان‌پذیر است.

این گزارشها عبارتند از:

الف: "حکایت از پنج نفر عیسویانِ عجم که جملگی به دینِ رومانیه - کاتولیک - درآمده بودند و همچنین گزارش از قتل چهار نفر ایشان در تاریخ ۱۳ شهر - ماه - فبریه سنه ۱۶۲۲ م و از عربیه ربیع الآخر سنه ۱۰۳۲ هـ."

ب: حکایت از دستگیری و قتل الیاس که یعقوب اروونه کلمجی انگلیس خاطر مذکور نمود در تاریخ سنه ۱۶۲۲ و از عربیه شهر ربیع الآخر ۱۰۳۱.

۷ - بخش‌هایی از پایان متن، به ترجمه "مزامیر" اختصاص یافته است. پیترو دلاواله در سفرنامه‌اش می‌گوید، پدرژان تاده به دستور شاه عباس این مزامیر را ترجمه کرد.^{۳۴}

۸ - در گزارش‌های پایانی، گزارشگر، قتل چند تازه مسیحی کاتولیک، که به دستور شاه عباس انجام شد را تحلیل و آن را با قتل عام مسیحیان ایران در زمان شاهپور دوم در روزگار ساسانی، مقایسه می‌کند. گزارشگر، معتقد است این قتلها در اصفهان در همان ایام از سال انجام پذیرفت که شاهپور، نخستین قتل عام را در بین مسیحیان در ایران انجام داد.

گونه‌شناسی این حکایت و مقایسه‌ای که بین دوران ساسانی و پادشاهی شاه عباس، انجام شده، فقط و فقط از سوی گزارشگری مسیحی و متعصب امکان‌پذیر است.

۹ - برخی از گزارشهای متن عیناً همان است که در کتاب تاریخ کرم‌لیت‌ها آمده است.

۱۰ - گزارش گفت و گوی شاه عباس با کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها و ضدیت گزارشگر با پروتستان^{۳۵} و یهودی دانستن باورهای آنها، حکایت از کاتولیک بودن گزارشگر دارد.^{۳۶}

۱۱ - سموتیک عبارتی مثل "دین حضرت عیسی، صاحب ما" که بیانگر ربوبیت عیسی مسیح است، تنها در دستگاه فکری مسیحی قابل بیان است.

۱۲ - در آغاز هر گزارش، تاریخ میلادی بر تاریخ هجری پیشی گرفته است. این پیشی، حاکی از تمایلات مسیحی و غربی گزارشگر دارد.^{۳۷}

۱۳ - ادبیات متن در پاره‌ای از بندها، روان نیست و بیانگر کاستی‌هایی است که

املاء کننده و یا کاتب اصلی، نسبت به زبان و ادبیات فارسی داشته است.
 ۱۴ - املاء کننده، به زبانهای لاتین آشنایی داشته است لذا به راحتی می توانسته
 نقش مترجم و برگردان کردن نامه های وارده را برعهده گیرد.
 ۱۵ - پیشی گرفتن صفت بر موصوف، حاکی از تأثیراتی است که زبان لاتین بر املاء
 کننده داشته است.^{۳۸}

۱۶ - پاره ای از نامه های رد و بدل شده دارای زبان رمزی است تنها واسط و
 مترجمی که به این زبان رمزی آگاهی داشته پدر ژان تاده بوده است.

۱۷ - رسم الخط متن، متأثر از زبان و رسم الخط عربی است، مثل آمدن تاء تأنیث در
 آخر نام کشورها مثل روسیه، اسپانیه و... و بکار بردن مع به جای "با" و قرار دادن دو
 نقطه زیر حرف یاء و یا استفاده از جمع های مکسر عربی. این گمان را می توان، وارد
 دانست که با توجه به آشنایی کرمیت ها به زبان عربی، متن نیز تأثیر پذیرفته است.

۱۸ - در صفحات پایانی، گزارشی وجود دارد که بعید است، گزارشگر، ایرانی و یا
 کاتب دربار، باشد.^{۳۹}

۱۹ - نقش حمایتی و کنسولگری پدر ژان تاده برای مسیحیان غربی ساکن در ایران
 در متن کاملاً آشکار است. لذا بیشترین اسمی که در متن تکرار می شود، نام پدر ژان تاده
 است.^{۴۰}

۲۰ - در متن منشآت، درخواستی وجود دارد که شاه عباس مستقیماً از پدر ژان تاده
 مطالبه کرده است. این درخواست شامل خرید اقلامی چند از فرنگ است.^{۴۱}

نشانه های اسلامی متن چگونه توجیه پذیر است؟

با آنچه بیان شد هویت مسیحی متن، آشکار گردید، حال سخن این است که با
 نشانه های اسلامی، متن چه باید کرد؟ و این نشانه ها، چگونه توجیه پذیر است؟
 پاسخ روشن و قابل طرح نخست این است که هر متن به طور طبیعی، متأثر از جهان
 پیرامون خود است، و متن جستار شده نیز از این قاعده کلی، مستثنی نیست. به عنوان
 مثال، القاب و تعارفات آغاز نامه های رد و بدل شده بین شاه عباس و پادشاهان اروپایی
 و پاپ، چیزی نیست جز تأثیراتی که متن از فضای حاکم بر دربار سلاطین ایرانی بر
 خود پذیرفته است. با این اصل کلی، شاید بتوان اندک نشانه های اسلامی متن را توجیه
 کرد و علت را فضای حاکم بر اصفهان دانست. با این حال گمانه زنی های دیگری نیز

قابل تأمل است. از آنجمله:

۱. این گمان را می‌توان داد که متن از همان سرآغاز ورود و شروع کار کرملیتها، تا پایان و شکل‌گیری، تنها توسط پدران روحانی انشاء، املاء و نگارش شده است، پدرانی که علاوه بر زبان فارسی، رسم الخط آنرا نیز آموخته‌اند با این گمانه زنی می‌توان اشتباه‌های کتابتی متن را نیز توجیه کرد.

۲. این گمان را می‌توان داد که، متن، نزد کرملیتها و در محل استقرار آنها، شکل نخست را یافته و توسط آنها انشاء شده، اما کاتبی که فارسی می‌دانسته و به استخدام آنها در آمده و کتابت آنچه، آنها انشاء و املاء کرده‌اند را بر عهده گرفته است.

۳. با توجه به آنکه کرملیتها فقط مسیحیان را در امور مهم استخدام می‌کردند، این فرض قابل طرح است که کاتب، مسیحی بوده، آنها با گرایش شرقی، و نژاد ارمنی یا گرجی و یا چرکسی، و به مرور زمان به مسیحیت غربی، تمایل پیدا کرده و کاتولیک شده است.

۴. ممکن است کاتبی که وظیفه ضبط مطالب را از سوی کرملیتها برعهده گرفته، تازه مسلمانی سرگردان در حوزه دین، از آرامنه و یا گرجی و یا چرکسی‌های شمال غرب ایران باشد که توسط شاه عباس به وسط ایران هجرت داده شده و به ظاهر مسلمان شده، اما پس از ارتباط با پدران کرملیت، بار دیگر مسیحی شده است.

در این صورت، متن، علاوه بر هویت تشریح شده، هویت دیگری نیز می‌یابد و آینه‌ای می‌شود از سیر تطور فکری کاتب و یا پاره‌ای از انسانها که توسط ایرانیان در روزگار صفوی مسلمان شده، اما با حضور گروه‌های مسیحی در ایران و فعالیت‌های تبلیغی پنهان آنها، در تغییر دینی حاصل شده بر ایشان، شبهه کردند. با این گمانه زنی می‌توان گفت، به مرور زمان که نگاه کاتب تغییر یافته و به مسیحیت گرایش پیدا کرده، آثار آن در متن نیز آشکار و آشکارتر شده است.

۵. همانگونه که بیان شد، این گمان وارد است که متن، دفتر ثبت احوالاتی باشد، نزد کرملیتها که پس از آشفته‌گی مقطعی احوالشان در اصفهان مطالب آن به دست کاتبی از دستگاه حکومتی افتاد و او پاره‌ای از اسناد و سخنان ناگفته دیگر را که در دیوان حکومتی بین شاه عباس و پدران کاتولیک‌ها و پروتستان‌های انگلیسی ردّ و بدل شده را در مطالب پایانی درج کرده است. از هرمنوتیکِ ثبتِ گفت و گوهای پایانی می‌توان، روایت سوم شخص را، یعنی راوی، برداشت کرد. اگر این گمان را بپذیریم. نشانهای

اسلامی آغاز متن نیز به آسانی توجیه می‌شود. با قبول این فرض مستندسازی مجموعه، یک شخصیت ایرانی می‌شود که اسناد چهارده سال تعامل دولت صفوی با مسیحیت غربی و گفته‌ها و ناگفته‌های بسیار آن را جمع‌آوری و مستندسازی کرده است، آنهم بدون اعمال سلیقه شخصی و فقط با انجام عملیات استنساخ، و فهرست نگاری اسناد در سرآغاز متن.

۶. پذیرش، ظهور چنین پدیده‌ای بی‌بدیل را در قالب مستندسازی، در اصفهان و در دربار شاه عباس به راحتی نمی‌توان پذیرفت. لذا احتمال دیگری نیز قابل طرح است، بدین‌گونه که پدیده مستندسازی نهایی در شهر شیراز رخ داده است و نه در اصفهان، چرا که از طرفی چند تازه مسلمان دوباره مسیحی شده، که عازم هرمز بودند، طی مسیر شیراز توسط نیروهای امام قلی، دستگیر و کشته شدند، و پاره‌ای سند نیز از آنان بدست آمد، و حتی همین حادثه دستگیری و قتل تراژدی گونه در متن گزارش شده است. و از طرف دیگر در همان سالهای پایانی، پایگاه جدید دینی پدران کرملیتها در شیراز شکل گرفته است. و صورت جلسه محضر مالکیت این پایگاه نیز، در متن درج شده است.

پی‌نوشتها

۱. آنچه در این مقال آمد برگرفته از فصل هشتم پایان نامه دکتری نگارنده است که به دانشگاه سن ژرف بیروت زیر عنوان: التفاعل بين الاسلام و المسيحية في عهد الصفوی الاول، سال ۲۰۰۴، ارائه شده است.
۲. آقای محمد تقی دانش پژوه این متن را اینگونه فهرست کرده است: "منشآت یا مکاتیب شاه عباس و فرمان روایان ایران با پاپ و پادشاه از ۱۰۱۸ تا ۱۰۳۳ ه. ق/ ۱۶۰۸ تا ۱۶۲۳ میلادی با فهرست در آغاز، کتابخانه ناپلی در ۳۲۸ برگ". مراجعه شود به: فهرست میکروفیلیمهای کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران جلد سوم - مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران ۱۳۶۳ به کوشش محمد تقی دانش پژوه.
۳. این نکته قابل توجه است که دستگاه دینی مسیحیت کاتولیک طی سده‌های متمادی پس از ظهور اسلام تعامل با دنیای اسلام را حرام می‌دانست.
۴. دستگاه مسیحیت دریافته بود که دستگاه فکری اسلام شیعی و اثنی عشری حاکم بر ایران صفوی، با دستگاه فکری اسلام سنی عثمانی حاکم بر روم - ترکیه کنونی - تفاوت دارد.
۵. - تعامل شاه عباس با اروپا را می‌توان به دو مرحله زمانی تقسیم کرد. نخست دوره‌ای که شاه عباس، اروپا را اتحادیه‌های سیاسی زیر فرمان پاپ می‌پندارد و دیگر، دوره‌ای که اروپا را اروپایی غیر متحد و با سیاستهای پراکنده

می‌یابد. دوره دوم از زمانی آغاز شد که رفت و آمد و خبررسانی اروپایی‌ها به دربار ایران افزایش یافت. ۶. این عکس العمل همراه با سایر اتفاقاتی که در کشور، بین مسیحیت تازه وارد به پایتخت و ایرانیان مسلمان روی داد تنش‌های اجتماعی گوناگونی را برانگیخت. در این خصوص پژوهشی انجام پذیرفته که در آینده‌ای نزدیک از سوی نگارنده منتشر خواهد شد.

۷. عکس العمل دولت صفوی را در مقابل اشغال هرمز باید بر دو بخش تقسیم کرد. عکس العملی که پیش از فتح لاراز خود نشان می‌دهد و عکس العملی که بعد از فتح لار، ظهور کرده است. علاوه بر آن عکس العمل ملوک هرمز با عکس العمل دولت مرکزی متمایز است. چرا که تجربه‌ها و برداشتها و احساسهای هر یک از آنها، از آنچه در هرمز می‌گذرد متفاوت است. در بیکره سیاسی و نظامی دولت نیز احساس "الله وردی خان" و پسرش "امام قلی" به عنوان حاکمان فارس بزرگ، با احساس دولت مرکزی تفاوتی دارد.

۸. این عامل از جمله عوامل عقب ماندگی خاورمیانه و ایران در چهارصد سال اخیر به شمار می‌رود. همچنین لازم به ذکر است در آن زمان ابریشم به عنوان مهمترین کالای صادراتی ایران به شمار می‌رفت.

۹. در منابع ارمنی و غربی گزارشهای گوناگونی در بازگشت مجدد تازه مسلمانان ارمنی، گرجی و چرکسی به مسیحیت در روزگار صفوی ثبت شده است.

۱۰. هرطقه، تعبیری است در دستگاه دینی مسیحیت، به معنای بدعت.

۱۱. در حال حاضر در چهارصدمین سال شکل‌گیری جلفای اصفهان (۲۰۰۴ - ۲۰۰۵ میلادی) قرار داریم. شکل‌گیری پدیده جلفا از نگاههای گوناگون قابل تأمل است از آنجمله در دستگاه فقه سیاسی و اینکه چگونه این دستگاه به غیرمسلمان - اهل ذمه - اجازه بهره‌برداری از امکاناتی ویژه در پایتخت کشوری مسلمان را می‌داد. و یا اینکه در برابر اهداء این امکانات از سوی حکومت، به غیر مسلمانان، فقهاء سیاست سکوت را اتخاذ می‌کردند.

۱۲. در بین خاورشناسان و یا تاریخنگاران مسلمان، چنین شایع است که در دنیای اسلام این فقط دولت عثمانی بوده که نسبت به مسایل مسلمانان در آندلس دغدغه داشته است در حالی که یکی از گزارشات متن حاضر حاکی از آن است که شاه عباس شخصاً پیام شفاهی اعتراض آمیز به پادشاهی اسپانیا ارسال کرده است.

۱۳. الف: در اسپانیا در دوره تقیه دینی، معماری ترکیبی‌ای شکل یافت که آمیخته‌ای از آموزه‌های اسلامی - مسیحی بود. بسیاری از پژوهشگران معتقدند این معماری توسط همان مسلمانانی پدیدآمده که در تقیه دینی به سر می‌بردند.

ب: در تاریخ اسلام، آنچه از تقیه شناخته شده است تقیه مذهبی و یا نخله‌ای است. شاید بتوان گفت تنها نمونه تقیه دینی و دسته جمعی در تاریخ اسلام، در آندلس، پس از سقوط، روی داده است. عده‌ای از دانشمندان آنتروپولوژی، معتقدند گروههایی از جامعه اسپانیایی امروز که در عروسی‌ها هلله می‌کنند، بازماندگان همان مسلمانانی‌اند که در این سرزمین، قرن‌ها، زندگی می‌کردند.

۱۴. اگر چه لبنان به مفهوم امروزی خود در نیمه قرن بیستم شکل و استقلال یافت، اما برخی از پژوهشگران منطقه شرق مدیترانه و خاورمیانه معتقدند، نخستین کیان سیاسی و مستقل لبنان در زمان امیر فخرالدین در آغاز قرن هفدهم میلادی شکل یافت. امیر فخرالدین مسلک دروژی داشت و پس از مدتی و با فشارهای وارده از سوی دولت عثمانی

مجبور به فرار به سوی ایتالیا شد. لازم به ذکر است در زمان امیر فخرالدین شیعیان از منطقه تاریخی و مهم کُشروان در شمال لبنان به سمت بقاء و جنوب لبنان رانده شدند و مسیحیان جای آنان را گرفتند. پیر و آن پاره‌ای از سادات و شیعیان به جای مانده در این منطقه مجبور شدند از دیانت اسلامی خارج و مسیحی شوند. در حال حاضر در لبنان مسیحیانی زندگی می‌کنند که به آل هاشم معروف و از خاندان آل البیت هستند. کُشروان، همان خُسروان، و واژه‌ای فارسی است.

۱۵. در تاریخ اسلام دوگونه گفت وگو بین اسلام و مسیحیت شکل گرفته‌است گفت وگوهای پدیدارشناسانه و گفت‌وگوهای جدلی. گفتگوی پدیدارشناسانه یا فنومنولوژی به افکار دیگری، صرفاً به شکل یک پدیده نگاه می‌کند و هدف از انجام گفت وگو حذف دیگری نیست. در حالی که در گفت وگوهای جدلی و اقتاعی هر یک از طرفین تمایل دارد دیگری را مغلوب افکار خود ساخته و از میدان خارج کند.

۱۶. در این سند، کاتولیکها علاقمند بودند در معرفی دستگاه دینی پروتستان به شاه عباس، آن را برگرفته از افکار یهود معرفی کنند و شاه عباس هم علاقمند بود، مقایسه‌ای شود، بین "کاتولیک و پروتستان" در مقابل "شیعه و سنی".

۱۷. این پدیده، یعنی حضور مسیحیت در قلب ایران از زمان ظهور مسیحیت در زمان اشکانیان تا پایان قرن شانزدهم میلادی بی سابقه بود و این تنها شاه عباس بود که به این امر مبادرت کرد. شاه عباس در یکی از گفت وگوها، خود به این مهم اعتراف می‌کند.

۱۸. در تاریخ مسیحیت، از روزگار شاپور دوم ساسانی، به عنوان روزگاری سیاه در تاریخ مسیحیت یاد می‌شود. روزگاری که مسیحیان، به دستور شاهپور قتل عام شده و ایران ساسانی از مسیحیت، تنفر فراوان داشت. پژوهشهای جدید، در بین خاورشناسان این نگاه بر جای مانده از مسیحیت قرون وسطی را نقض می‌کند و زمان شاهپور دوم را نیز همگون با سایر دوره‌ها در ایران گزارش می‌کند. یعنی تعاملی که با تسامح، نسبت به سایر باورهای دینی از جمله مسیحیت، همراه بوده است.

19. A Chronicle of the Carmelites in persia and the papalmission of the XVIIth and XVIII centuries, london, 1939, v1. p25

۲۰. نسخه‌های خطی فراوانی از ادبیات مسیحی به زبان فارسی در کتابخانه‌های معتبر دنیا و نیز جلفای اصفهان و تبریز نگهداری می‌شود. اما متأسفانه تاکنون از سوی مسیحیان ایرانی و یا پژوهشگران ایرانی، اقدام بایسته‌ای در پژوهش بر روی این متون انجام نپذیرفته است. نگارنده در پایان نامه دکتری خود، چندین متن از این دست را کاورده است. مهمترین خاورشناسی که بر روی پاره‌ای از این متون کار کرده است فرانسیس ریشارد فرانسوی F.Richard است وی تا سال گذشته مسئولیت بخش نسخ خطی فارسی کتابخانه ملکی فرانسه را برعهده داشت.

۲۱. امام قلی خان و پدرش الله وردی خان هر دو تازه مسلمان‌اند. الله وردی خان گرجی الأصل زمان شاه طهماسب مسلمان شد.

۲۲. گروهی از پژوهشگران، المسیحیة عبر تاریخها فی المشرق، مجلس کنائس الشرق الاوسط، بیروت، ۲۰۰۱، ص ۶۹۴

۲۳. همان، ص ۶۸۸.

۲۴. فصلنامه المنار، جمعیت مرسلین موارنه لبنان، سال ۳۰، شماره یک و دو ۱۹۸۹، ص ۶۳.
۲۵. همان، کرملیت‌ها علاوه بر اصفهان توانستند در سایر مناطق در دنیای شرق مراکز دینی تأسیس کنند از آن جمله در
سند به سال ۱۶۱۲، در شیراز به سال ۱۶۲۳، در بصره به سال ۱۶۲۳، در جلفا به سال ۱۶۵۳ و ۱۶۹۲، در مسقط به سال
۱۶۲۵، در بغداد ۱۷۳۱ و در بوشهر، کلیسای آنها در بوشهر تا حدود هفتاد سال پیش شناخته شده بود.
۲۶. همان، ص ۶۰.

۲۷. همان، ص ۶۴.
لازم به ذکر است در متن مورد بحث نیز، خصوصیات از کرملیت‌ها توصیف می‌شود. مثلاً؛ «از آداب و طریقت حضرت
مریم» اند. «از محبت و تعیش خداوند ترک دنیا کرده‌اند» «ریاضت کشند». «درویش اند و ترک تعلقات دنیوی
نموده‌اند»

۲۸. از جمله منابع معتبر در معرفی تاریخ تبلیغ مسیحیت عبارت است از:

LES MISSIONS DES ORIGINES AU XVI SIECLRIE, LIBRAIRIE GRUND, PARIS
EDITIONS DE L'ACANTHE MOIVACO. 1956.

۲۹. نخستین حضور فرانسیسکن در ایران به روزگار مغول باز می‌گردد. آنها از سده دوازدهم میلادی حضور گسترده‌ای در
روسیه، تبت و پکن داشتند. میراحمدی، مریم، دین و مذهب در عصر صفوی، انتشارات امیرکبیر، ۱۶۶۳، ص ۱۲۰.
۳۰. گروه پدران دومینکن (برادران واعظ) در سده دوازدهم در فرانسه شکل گرفت. هدف آنها در آغاز پیدایش، مبارزه با
افکار و دیانت مانوی بود که سده‌ها از اضمحلال آن در ایران می‌گذشت لکن در فرانسه حضور جدی داشت. نگاه شود
به، المسیحیة عبر تاریخها فی المشرق. مجلس کنائس الشرق الاوسط، ۲۰۰۱ لبنان، ص ۶۹۲.

۳۱. گروه پدران آگوستین در سال ۱۰۰۷ هـ/ ۱۵۹۸ م در بیشتر نقاطی که بر تعالی‌ها اشغال کرده بودند حضور یافتند. از
آن جمله در بندرگوا در هند و هرمز در جنوب شرقی ایران در همان سال ریاست گروه پدران آگوستین Donalexix
de mensez هیئت رسمی را به نمایندگی از پادشاه اسپانیا راهی دربار شاه عباس اول کرد. آنها در نخستین مذاکره
خواهان گسترش روابط سیاسی و تجاری با اسپانیا و در اختیار گرفتن پاره‌ای از اراضی اصفهان برای ساخت کلیسا
شدند.

نخستین پدر روحانی که با صفت رسمی در اصفهان مستقر شد Fere simound de Moreis است. نک: سیوری، راجر،
ایران عصر صفوی، ترجمه احمد صبا، انتشارات کتاب، تهران ۱۳۶۲، ص ۹۴.

۳۲. پدران آگوستین از ورود پدران کرملیت به اصفهان با روی باز استقبال نکردند، و حضور آنها را دخالت در فعالیت
خود دانستند A Chronivle ... 1939 p 13.

۳۳. نسخه کامل این کتاب توسط پدر جروم خاویر Jerom xavier تألیف شد. وی از نزدیکان نسبی فرانسیس خاویر
xavier Francis است و به مدت چهار سال در دربار اکبر شاه به آموختن زبان فارسی مبادرت کرد. توسط همین
خانواده مسیحیت کاتولیک به ژاپن راه یافت. این گروه با نخستین گروه پرتغالی که از راه دریا وارد دنیای شرق شدند،
به این منطقه آمدند و اول بار در بندرگوا در هند مستقر شدند.

۳۴. این ترجمه به همراه نخستین نسخه چاپی از انجیل به زبان عربی به شاه عباس داده شد. ظاهراً این انجیل در حال حاضر در کتابخانه آیت الله مرعشی قم نگهداری می‌شود. نک: سفرنامه پیترو دلاواله، ترجمه فارسی از محمود بهفروزی، نشر قطره، تهران، جلد اول، ۱۳۸۰، ص ۷۳۳ و ۷۴۲.
۳۵. منشآت عصر صفوی ص ۲۵۴، "گفت و شنود در مرتبه اول که نواب اشرف با پادریان و جماعت انگلیس..."
۳۶. منشآت عصر صفوی ص ۲۹۰ "انگلیسی‌ها یهودی بودن خود را آشکار کردند"
۳۷. ممکن است این احتمال مطرح شود که ثبت کننده این گزارشها ارمنی بوده و در نزد کرمیت ها کار می‌کرده است. در صورت پذیرش این احتمال مطمئناً آن شخص ارمنی کاتولیک است و نه گریگوری. علاوه بر آن لازم به ذکر است، آرامنه تاریخ مربوط به خود را داشته که با تاریخ میلادی رایج نزد مسیحیان لاتین، متفاوت است.
۳۸. لازم به ذکر است هیچ یک از ایرانیان مسلمان در آن زمان به زبانهای اروپایی آشنایی نداشتند.
۳۹. نسخه خطی منشآت، ص ۹. "حکایتی که پادری نینکو به سردار جماعت پادریان فرستاد و گفت و شنید که در میانه نواب اشرف گذشته در آمدن پادری زونتو و پادری نینکو در تاریخ شهر خانینو سنه هزار و ششصد و هشت و از عربیه در تاریخ شهر ربیع الاول سنه ۱۰۱۹ م.
۴۰. همانگونه که اشاره رفت، ژان تاده مسئولیت رسمی در کنسولگری نداشت، اما بخاطر اعتمادی که به خود جلب کرده بود، نامه‌هایش در دستگاه حکومتی مؤثر بود.
۴۱. از جمله تقاضاهای شاه عباس عبارتند از: اسلحه شخص با مشخصاتی ویژه، یک قطعه آینه و یک سگ پا کوتاه.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فہرست مکاتبات حضرت ایم بابا و دیگر پادشاهان سلطانین عیسویان کہ
بنواب کاباب سپہرکاب اشرف اکرم ارفع اعلیٰ ابوالمظفر مغالدولہ
عباسی پادشاہ دستاورد و از جانب پادشاہ حججاہ بہ پادشاہان زرین
کلاہ ارسال کروانیدہ و مکاتبات چند کہ طبقہ فرکیہ بہ نواب و امرا روانہ
کرده در تاریخ سنہ ۱۰۶۸ از عیسویان تا لغات سنہ ۱۰۶۳ و از استبدادی سنہ ۱۰۱۵
تا لغات سنہ ۱۰۶۳ و سبھی و سپہ فی ہجر بہ النبویہ المصطفویہ ۶

کتابت از حضرت گلنت ایم بابا ششم بہ نواب اشرف کے پادریان
در مرتبہ اول کہ نواب اشرف پادریز اطلبہ بود و در دارالسلطنت
در تاریخ ۱۰۶۵ و از حساب عربہ در تاریخ شہر رمضان
المبارک سنہ ۱۰۶۲ در مہینہ روز و تاریخ ہشت مکتوب دیکر دادہ بودند

نہ

صفحة اول نسخة خطی

آئینہ شاہ